

Cultural policy-making model of society's belief in high value concepts with emphasizing on the Study of the Word of Revelation in the Holy Quran

Rahman Yasi¹ | Mohammad Javad Nikravesh²

Abstract

Revelation, as one of the specific sources of religious knowledge, has a special place in Quranic literature and adopting a correct model to make people believe in this word can be considered as one of God's wonderful actions. This word and its derivatives are used more than 70 times in the Holy Quran. By examining the revelation process of the verses containing the word revelation and the connection of related concepts, it is possible to reach the model that God has in mind for the society to believe in the revelation and its sanctity. Achieving such a model can be considered as a basis for designing a suitable model for making a desirable cultural policy in the direction of making the society believe in high value concepts. In this article, by using the methodology of reductive interpretation on one hand and the methodology of foundation data on the other hand, the verses containing the word revelation and its derivatives are analyzed and after going through the stages of thematic analysis, the methodological impression The researcher has abstracted from the model considered by the Almighty God in the implementation of the word revelation in the society and the desired model. Based on the results of the research, the considered model consists of three dimensions and each dimension also contains a set of components. "religious and socio-cultural" dimension; including components such as: explaining what the concept is and where it comes from for the audience and continuously explaining the characteristics of the concept, the "management and executive" dimension; including the components of: choosing a worthy messenger and expressing his characteristics to the audience, continuous strengthening and support for the messenger, and serious and continuous monitoring of the messenger, and the "political-security" dimension; Including the components: planning to deal with the opponents of the concept and public announcement and continuous attention to the cunning of the opponents of the concept.

Keywords: Islamic Governance, Revelation, Cultural Policy, Tanzili Exegesis, Credibility Model.

4

Vol. 30
Winter 2022

Research Paper

Received:
10 January 2023

Accepted:
29 January 2023

P.P: 53-88

ISSN: 2251-6980
E-ISSN: 2645-5234



DOR: 20.1001.1.22516980.1401.30.4.2.7

1. Corresponding Author: Assistant Professor of Jihadi Management Department, Imam Hossein University, Tehran, Iran. rahmanyasy@gmail.com

2. Assistant Professor of Jihadi Management Department, Imam Hossein University, Tehran, Iran.

طراحی الگوی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی باورمند نمودن جامعه نسبت به مفاهیم والای ارزشی (بررسی واژه وحی در قرآن کریم)

رحمان یاسی^۱ | محمدجواد نیک‌روش^۲

چکیده

وحی به‌عنوان یکی از منابع اختصاصی معرفت دینی، جایگاهی ویژه در ادبیات قرآنی دارد و اتخاذ الگویی صحیح جهت باورمند نمودن مردمان عصر نزول به این واژه را می‌توان از اقدامات شگفت‌ناک شارع مقدس محسوب نمود. این واژه و مشتقات آن بیش از ۷۰ بار در قرآن کریم بکار رفته‌اند. از طریق بررسی روند نزول آیات مشتمل بر واژه وحی و پیوند مفاهیم مرتبط، می‌توان به الگویی که شارع مقدس جهت معتقد نمودن جامعه به وحی و قداست آن مدنظر داشته است، دست یافت. دستیابی به چنین الگویی می‌تواند زمینه‌ساز طراحی الگویی شایسته جهت خط‌مشی‌گذاری فرهنگی مطلوب در مسیر باورمند نمودن جامعه به مفاهیم والای ارزشی محسوب گردد. در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش‌شناسی تفسیر تنزیلی از یک سو و روش‌شناسی تحلیل مضمون از سوی دیگر، آیات مشتمل بر واژه وحی و مشتقات آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و پس از طی مراحل تحلیل مضمون، برداشت روش‌شناسانه محقق از الگوی مدنظر پروردگار متعال در پیاده‌سازی واژه وحی در جامعه ارائه و الگویی مطلوب انتزاع شده است. بر اساس نتایج تحقیق، الگوی مدنظر مشتمل بر سه بُعد و هر بُعد نیز مشتمل بر مجموعه‌ای از مولفه‌هاست. بُعد «اعتقادی و فرهنگی-اجتماعی»؛ مشتمل بر مولفه‌هایی از جمله: «تبیین چستی مفهوم»، «تبیین خاستگاه مفهوم برای مخاطبین» و «تبیین مستمر ویژگی‌های مفهوم»، بُعد «مدیریتی و اجرایی»؛ مشتمل بر مولفه‌های: «انتخاب پیام رسان شایسته و بیان ویژگی‌های او برای مخاطبین»، «تقویت و حمایت مستمر نسبت به پیام رسان»، و «نظارت جدی و مستمر بر پیام رسان»، و بُعد «سیاسی-امنیتی»؛ مشتمل بر مولفه‌های: «برنامه‌ریزی جهت مقابله با مخالفین مفهوم» و «اعلان عمومی و توجه مستمر به مکر مخالفین مفهوم».

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، وحی، حکمرانی اسلامی، خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، الگوی باورمند نمودن، تفسیر تنزیلی

DOR: 20.1001.1.22516980.1402.31.4.2.4

۱. نویسنده مسئول: دانش آموخته دکتری تخصصی سیاست‌گذاری فرهنگی، دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص) العالمیه.
rahmanyasy@gmail.com

۲. دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث، استادیار دانشگاه امام حسین علیه السلام.

۴

سال سی و یکم
زمستان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۱/۰۷/۰۲

تاریخ پذیرش:
۱۴۰۲/۱۱/۱۵

صص: ۷۸-۴۱

شاپا چاپی: ۶۹۸۰-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۲۳۴-۲۶۴۵



مقدمه

حکمرانی اسلامی شایسته از دغدغه‌های مهم جمهوری اسلامی ایران است؛ این نوع حکمرانی، از ابعاد متنوعی برخوردار است و بُعد فرهنگی، بُعدی مهم و زیربنایی محسوب می‌گردد. خط‌مشی‌گذاری فرهنگی به عنوان علم بررسی و حل مسائل فرهنگی جوامع، از چهارچوب‌ها و الگوهای متنوعی بهره می‌گیرد. روش مطلوب شناسایی و کاربرست این الگوها از موضوعات پرچالش عرصه خط‌مشی‌گذاری فرهنگی محسوب می‌شود. بدون شک بین نوع مسئله فرهنگی و الگوی مناسب حل آن، رابطه مستقیم وجود دارد. از جمله مسائل فرهنگی کشورهایی مانند جمهوری اسلامی ایران که نظامی ارزشی دارند، باورمند نمودن جامعه نسبت به مفاهیم والای ارزشی است. نظر به ویژگی‌هایی که ما مسلمانان در مورد قرآن بدان‌ها معتقدیم (مانند جامعیت، پاسخ به نیازهای بشر در اعصار مختلف، عدم تحریف در طول تاریخ و...) این مقاله درصدد است با استفاده از روشی علمی و متقن، الگویی مناسب جهت باورمند نمودن جامعه به مفاهیم ارزشی مطلوب بر اساس آموزه‌های قرآنی ارائه نماید. بدین منظور سیر نزول آیات و سور مشتمل بر واژه وحی و مشتقات آن مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته‌اند.

«وحی» به دلیل نزول از سوی پروردگار عالم به عنوان خالق هستی به عنوان یکی از منابع مقبول و اختصاصی کسب معرفت نزد متدینین به شمار می‌رود. بدون شک جهت پیشبرد اهداف دین مبین اسلام توسط پیامبر صلی‌ا... علیه و آله، باورمند نمودن جامعه نسبت به آیات نازل شده، اقتضایی بسیار مهم به شمار می‌رفته است؛ از آنجاکه امر نزول آیات وحی نامیده می‌شود، بررسی آیات و سور مشتمل بر واژه وحی و مشتقات آن، می‌تواند رهیافتی مناسب جهت دست‌یافتن به الگوی مطلوب خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در باورمند نمودن جامعه نسبت به مفاهیم والای ارزشی به شمار رود.

به منظور استخراج روشمند و علمی الگوی قرآنی باورمند نمودن جامعه به مفهوم وحی، در کناره بهره‌گیری از مفاهیم روشی تفسیری، از قابلیت روش تحلیل مضمون نیز بهره‌برده‌ایم. این روش امکان استخراج الگومند مفاهیم از آیات و ارتباط‌دادن نظام‌مند آن‌ها با یکدیگر را فراهم می‌آورد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

فرهنگ

برخی از تعاریف فرهنگ که در بررسی‌های انجام شده مورد توجه محقق قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از:

ردیف	نویسنده / سال	برخی از تعاریف واژه فرهنگ
۱	یونسکو، ۱۹۸۳	فرهنگ مجموعه‌ای پیچیده از خصوصیات احساسی، فکری و غیرمادی است که به‌عنوان شاخص جامعه و یا گروهی اجتماعی مطرح می‌شود.
۲	گیدنز، ۱۳۸۱	فرهنگ عبارت است از ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین دارند. هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و کالاهای مادی که تولید می‌کنند.
۳	کوئن، ۱۳۷۴	فرهنگ مجموع ویژگی‌های رفتاری و عقیدتی اکتسابی اعضای یک جامعه خاص است.
۴	یونسکو، ۱۹۹۷	فرهنگ کلیتی تام است از ویژگی‌های مادی، فکری و احساسی که یک گروه اجتماعی را مشخص می‌کند. فرهنگ نه تنها هنر و ادبیات را در بر می‌گیرد، بلکه شامل آئین‌های زندگی، حقوق اساسی نوع بشر و نظام‌های ارزشی سنت‌ها و باورها است.
۵	فیلیپس ^۱ ، ۲۰۰۹	دایره المعارف جهانی آکسفورد فرهنگ را از دیدگاه انسان‌شناسی این‌گونه تعریف می‌کند: در انسان‌شناسی، فرهنگ به‌عنوان همه‌دانشی که برای انسان‌ها به‌واسطه عضویت در یک جامعه به دست می‌آید شناخته می‌شود. فرهنگ در برگیرنده همه دانش‌ها، انتظارات و عقاید یک گروه است. فرهنگ عامل اصلی تمایز بین حیوان‌ها و انسان است زیرا تنها انسان می‌تواند از طریق نظام‌های نمادین (مانند زبان) ذخیره دانشی خود را منتقل کند.
۶	بلکبرن ^۲ ، ۲۰۰۹	لغت‌نامه فلسفه آکسفورد فرهنگ را این‌گونه تعریف نموده است: روش زندگی مردم که در برگیرنده تلقی‌ها، ارزش‌ها، باورها، هنرها، دانش‌ها، حالات ادراکی، عادات فکری و فعالیت‌ها آن‌ها است. این ابعاد یاد گرفته می‌شوند و آن‌قدر عمیق هستند که به‌راحتی درک نمی‌شوند.

1. UNESCO
2. Philip's
3. Blackburn

ردیف	نویسنده / سال	برخی از تعاریف واژه فرهنگ
۷	اسکات و مارشال، ۲۰۰۹	فرهنگ همه آن چیزی است که به شکل اجتماعی، و نه وراثتی، منتقل می‌شود. این در حالی است که در برخی از جوامع فرهنگ را فقط در قالب هنر تصور می‌کنند. پس می‌توان بیان داشت که فرهنگ عبارتی کلی برای جنبه نمادین و قابل‌یادگیری جامعه است. ادوارد تیلور در سال ۱۸۷۱ میلادی فرهنگ را به‌عنوان مجموعه قابل‌یادگیری و پیچیده‌ای از دانش‌ها، عقاید، هنرها، اخلاقیات، قوانین و سنن معرفی می‌کند.

باتوجه به مواردی که در تعاریف بالا مورد اشاره قرار گرفت و همچنین تعداد زیادی از تعاریف دیگر، می‌توان نتایج مختلفی را در مورد مفهوم فرهنگ و ویژگی‌های آن استخراج نمود. برخی از این موارد عبارت‌اند از:

۱. فرهنگ امری پایدار است و تغییرات آن نیز تدریجی است نه دفعی: به هر پدیده اجتماعی نمی‌توان اطلاق امر فرهنگی نمود. فرهنگ مقوله‌ای است مستظهر به پیشینه یک ملت. به صرف وجود یک پدیده در عرصه اجتماع نمی‌توان آن را پدیده‌ای فرهنگی تلقی نمود. یک از اشتباهات برخی از دست‌اندرکاران امر فرهنگ همین است که به دنبال ایجاد تغییرات دفعی در عرصه فرهنگ می‌باشند در حالی که چنین مطلبی نه شدنی و نه مطلوب. حتی اگر گاهی شاهد تغییراتی در کوتاه مدت باشیم به هیچ وجه نباید به آن‌ها دلخوش نمود چرا که در صورت عدم استمرار، به نتیجه نرسیده‌ایم و تنها نیرو و هزینه‌های خود را هدر داده‌ایم.
۲. فرهنگ یک مقوله اجتماعی است و دارای بازیگران متعدد: فرهنگ امری اجتماعی است و در صورت وجود گروه‌های انسانی به وجود می‌آید. در حقیقت فرهنگ، مجموعه مفاهیم مشترکی است که بین اعضای جامعه به وجود می‌آید. به تعبیر برخی از صاحب‌نظران، حیاتی‌ترین نکته در مفهوم فرهنگ که همواره در ذهن کسانی که در مورد آن صحبت می‌کنند وجود دارد این است که فرهنگ به مشترکات بین یک مجموعه انسانی اشاره دارد، لذا نمی‌توان یک فرد یا مجموعه را به تنهایی متصدی امر فرهنگ دانست و نقش دیگر گروه‌ها، افراد و جریان‌ها را نادیده پنداشت.
۳. مصادیق فرهنگی باید یاد گرفته شوند: رمز بقای یک فرهنگ در این است که اصول و مبانی آن به اعضای جدید جامعه یاد داده شود. در غیر این صورت بروز شکاف فرهنگی بین

نسل‌ها امری غیرقابل اجتناب خواهد بود. (پورپیرار، ۱۳۸۴)؛ یکی از دلایل مهم در مورد ضرورت مهندسی فرهنگی همین نکته است؛ البته سازوکار این یادگیری و درصد مستقیم و غیرمستقیم بودن آن بحث علی حده ای است که مجال دیگری می‌طلبد.

۴. فرهنگ دارای رابطه دیالکتیکی و اجتناب‌ناپذیر با سایر عرصه‌های اجتماع است: نمی‌توان از فرهنگ صحبت کرد ولی تأثیر و تأثر متقابل آن با سایر عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را نادیده گرفت. ساده‌اندیشی است که فرهنگ را مقوله‌ای جدا از دیگر عرصه‌های اجتماع فرض نماییم و به رابطه عمیق و پرتأثیری را که بین آن و سایر عرصه‌ها برقرار است در نظر نداشته باشیم.

خط‌مشی‌گذاری

خط‌مشی‌گذاری و سیاست‌گذاری هر دو ترجمه عبارت "policy making" هستند. این عبارت معمولاً از سوی اندیشمندان علوم سیاسی به سیاست‌گذاری و از سوی اندیشمندان حوزه مدیریت به خط‌مشی‌گذاری ترجمه می‌شود. بر اساس تعریف «فیلیپ برود»، خط‌مشی‌گذاری‌های عمومی، تجلی اراده حکومت در عمل (یا خودداری از عمل) است و آن‌ها را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌هایی ساختاری و مرتبط متشکل از مقاصد، تصمیمات و اعمال در نظر گرفت که قابل نسبت به اقتدار عمومی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی هستند (براود^۱، ۱۹۹۸ به نقل از وحید، ۱۳۸۰: ۱۸۶). علوم سیاست‌گذاری، بخشی از جنبش عقلانی کردن زندگی بشری و عقلایی عمل کردن بشر است که به کمک آن انسان سعی می‌کند به تسلط روزافزونی در زندگی اجتماعی خویش دست یابد (اشتریان، ۱۳۸۶: ۱۵).

در همین راستا موران و دیگران اشاره می‌کنند که موضوع خط‌مشی‌گذاری عمومی، برنامه‌ها و سیاست‌هایی هستند که مقامات دولتی از طریق آن‌ها جامعه را اداره کرده و بر آن حکومت می‌کنند (موران، رین، و گودین^۲، ۲۰۰۶: ۳) حکمرانی نمودن نشان‌دهنده وجود اراده است و تلاشی است برای اعمال کنترل به‌منظور شکل دادن شرایط محیط. سیاست‌های عمومی، اعمال این حکمرانی هستند. دایره حکمرانی دولت‌ها معطوف به حوزه عمومی است. دای معتقد است در

1. Braud
2. Moran, Rein, and Goodin

مفهومی وسیع، سیاست‌گذاری عمومی هر چیزی است که دولت‌ها تصمیم به انجام آن یا عدم انجام آن می‌گیرند. (دای،^۱ ۲۰۰۵: ۱)

خط‌مشی‌گذاری فرهنگی

از آنجا که هیچ وفاقی درباره مفهوم بی‌حد و حصر «فرهنگ» وجود ندارد، بنابراین تعریف دقیق خط‌مشی‌گذاری فرهنگی نمی‌تواند بدون توجه به تعریف فرهنگ صورت گیرد. در این زمینه فیاض با تأکید بر ضرورت توجه به موضوع تعریف فرهنگ، نشان می‌دهد که چگونگی تعریف فرهنگ کاملاً بر حوزه سیاست‌گذاری حاکم بوده و بر آن تأثیرگذار است. وی با اتخاذ رویکردی مردم‌شناختی، پنج دسته کلان از رویکردهای متمایز به تعاریف فرهنگ (که هر کدام نتایج سیاست‌گذارانه متفاوتی دارند) را ارائه می‌دهد که عبارت‌اند از: ۱. دیدگاه مارکسیستی یا تضاد‌گرایان، ۲. دیدگاه تکامل‌گرایان، ۳. دیدگاه ساختی، ۴. دیدگاه کارکردگرایی، و ۵. دیدگاه عوام‌گرایی فرهنگی. به‌عنوان مثال بر اساس دیدگاه اول که فرهنگ روبنایی است که روابط اقتصادی آن را تعیین می‌کند، سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر برنامه‌ریزی اقتصادی بوده و رویکردی مکانیکی به فرهنگ دنبال می‌شود. (فیاض، ۱۳۸۵).

پس سیاست‌گذاری فرهنگی با تعریف فرهنگ و شناسایی حدود و ثغور آن شکل می‌گیرد به‌طوری که با تعریف فرهنگ، دامنه و گستردگی سیاست‌ها مشخص می‌شود. در این زمینه اشتریان معتقد است که «تعریف ما از فرهنگ هر چه باشد تأثیری در فرایند سیاست‌گذاری ندارد؛ اما آن جا که باید دامنه سیاست‌ها و حوزه عمل دولت و نهادهای عمومی مشخص شود، قطعاً مشخص شدن تعریف سیاست‌گذاران از فرهنگ ضرورت می‌یابد. این تعریف از سویی اهداف و مقاصد فرهنگی و از سوی دیگر حوزه عمل، ویژگی‌های مدیران و مدیریت فرهنگی و حتی برنامه‌ریزی‌ها را جهت می‌دهد.» (اشتریان، ۱۳۹۱: ۲۹-۳۰) میلر و یودیس معتقدند فرهنگ و سیاست‌گذاری از دو طریق با هم ارتباط پیدا می‌کنند، یکی از منظر زیبایی‌شناختی و دیگری از منظر انسان‌شناختی. در چارچوب زیبایی‌شناختی، تمرکز اصلی بر بروندادهایی قرار می‌گیرد که از سوی افراد خلاق عرضه می‌شود، این تولیدات و برونداها در چارچوب معیارهای زیبایی‌شناختی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. در این چارچوب به فرهنگ به‌عنوان نشان‌دهنده تمایزات و تشابهات

1. Dye

موجود در سلايق و شرايط گروه‌هاي متنوع اجتماعي در توليد برون‌دادهاي داراي ارزش‌هاي زيبايي شناختي نگاه مي‌شود.

در فضاي انسان‌شناسي، فرهنگ به‌عنوان نشانه‌هايي از چگونگي زيستن، چگونگي درك مكان و زمان و شناخت خود به‌عنوان موجودي انساني مطرح مي‌شود. اين ادراكات بر مبناي مؤلفه‌هايي مانند زبان، دين، آداب و رسوم، موقعيت تاريخي و جغرافيايي فراهم مي‌شوند. در ويكرد زيبايي شناختي بر تفاوت‌هاي موجود در درون جمعيت‌هاي انساني تأكيد مي‌شود، حال آنكه در ويكرد انسان‌شناسانه، تفاوت‌هاي جمعيت‌هاي انساني با يكديگر مدنظر قرار مي‌گيرند (ميلر و يوديس^۱، ۲۰۰۲: ۱). برخي صاحب‌نظران در تعريف و توصيف سياست‌گذاري فرهنگي، آن را با يك سري از مؤلفه‌ها مانند توسعه فرهنگي و يا برنامه‌ريزي فرهنگي پيوند مي‌زنند. سعي آن‌ها بر اين است كه مفهوم سياست‌گذاري را با ادبيات مؤلفه‌هاي مذكور تشريح و تعيين نمايند؛ براي مثال پرويز اجلايي در چارچوب دانش سياست‌گذاري، «سياست‌گذاري فرهنگي را از نوع برنامه‌ريزي راهبردي مي‌داند كه از آرمان‌ها و ارزش‌هاي جامعه (ايدئولوژي) الهام مي‌گيرد و دو نوع برنامه‌ريزي ميان‌مدت (برنامه‌ها) و برنامه‌ريزي کوتاه‌مدت (طرح‌هاي اجرايي) را هدايت مي‌كند» (اجلايي، ۱۳۷۹: ۵۹)؛ يا صاحب‌نظر ديگري معتقد است كه خط‌مشي گذاري فرهنگي عبارت است از «تعيين خط‌مشي‌ها و راهبردهاي كلان فرهنگي براي رسيدن به اهداف چهارگانه توسعه فرهنگي يعني همكاري‌هاي فرهنگي، مشاركت فرهنگي، ميراث فرهنگي، و هويت فرهنگي كه يونسكو نخستين بار با ارائه مفهوم توسعه فرهنگي آن را مطرح نمود.» (حسين لي، ۱۳۷۹: ۲)

صاحب‌نظران ديگر در تعيين مختصات حوزه خط‌مشي گذاري فرهنگي به سطوح خط‌مشي گذاري فرهنگي اشاره کرده و آن را به دو حيطه تقسيم‌بندي نموده‌اند: خط‌مشي گذاري ناظر به عرصه‌هاي خرد و كلان فرهنگي. در عرصه خرد، خط‌مشي گذاري فرهنگي «به اقدامات و فعاليت‌هاي عاملانه و از پيش‌طراحي شده‌اي گفته مي‌شود كه نهادهاي مختلف از قبيل دولت، بازار يا جامعه مدني در جهت توليد، توزيع، و يا اشاعه محصولات فرهنگي از خود بروز مي‌دهند» (گوييگان، ۱۳۸۸: ۷) اما در عرصه كلان «خط‌مشي گذاري فرهنگي، به اراده دولت در ايجاد يا

1. Miller and Yudice

تحکیم و یا تغییر مقررات و انتظامات در عرصه فرهنگ معطوف است. چنین اراده‌ای مطابق تعریف خط‌مشی‌گذاری، می‌تواند سلبی یا ایجابی باشد» (وحید، ۱۳۸۶: ۲۸۸)

در مجموع می‌توان گفت خط‌مشی‌گذاری فرهنگی شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده‌ای است که بر نوع عملکرد فرهنگی یک نهاد اجتماعی استیلا دارد. به این اعتبار، منظومه‌ای سامان‌یافته از اهداف نهایی درازمدت و میان‌مدت قابل‌سنجش و نیز ابزارهای حصول به آن اهداف را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، نوعی توافق رسمی و اتفاق‌نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تعیین و تدوین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های لازم و ضروری در فعالیت فرهنگی است و راهنما و دستورالعمل برای مدیران فرهنگی خواهد بود. (وحید، ۱۳۸۲: ۵۵ و اصول سیاست فرهنگی ج.۱، ۱۳۷۱: ۲).

بررسی مفهوم وحی در قرآن و روایات

وحی در لغت معانی بسیاری دارد. رایج‌ترین یا مهم‌ترین معانی آن که در بیشتر فرهنگ‌های لغت نقل شده، بدین قرار است: اشاره، کتابت، رسالت یا پیام‌آوری، الهام، کلام پنهانی و هر آنچه به دیگری القا شود. در صحاح، معنای کتابت نیز ذکر شده، بلکه بر دیگر معانی یا کاربردها مقدم شده است. خلیل بن احمد (م ۱۷۵ق.) در لغت‌نامه خود که کهن‌ترین فرهنگ واژه‌های عربی است، واژه وحی را به کتابت و عبارت «اوحی الیه» را به بعثت و الهام معنا کرده است. (حسین‌زاده، ۱۳۸۸: ۴۶)

در میان واژه‌شناسان، راغب اصفهانی در خصوص معنای اصلی واژه وحی می‌نویسد: «وحی به معنای اشاره سریع است و به همین جهت به کارهای سریع وحی گفته می‌شود و به سخنان رمزی و آمیخته با کنایه که با سرعت ردوبدل می‌گردد نیز این واژه اطلاق می‌گردد که گاه با اشاره و گاه با کتابت حاصل می‌شود. سپس به معارف الهیه که به انبیا و اولیا القا می‌گردد واژه وحی اطلاق شده است.» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶: ماده وحی)

بر اساس این گونه تفسیر لغوی از وحی، تنها سرعت از ارکان وحی است و نه سرّی، پنهان و رمزی بودن. بدین روی، وحی هرگونه اشاره‌ای نیست، بلکه اشاره‌ای سریع است. درعین‌حال، در عصر حاضر احیاناً وحی به گونه‌ای تحلیل شده که سرعت و پنهان بودن از ارکان آن است. از نگاه

این تحلیل، معانی یا کاربردهای گوناگون آن در دو امر مشترک‌اند: ۱. تفهیم یا اعلام پنهانی ۲. تفهیم یا اعلام سریع. (حسین زاده، ۱۳۸۸: ۴۶)

در میان واژه‌شناسان قرن یازدهم، ابوالقاء (متوفی ۱۰۹۲ق) به‌رغم آنکه همچون بسیاری می‌گوید: «الوحی: کل ما ألقىته إلی غیرک فهو وحی والکتابة والإشارة والرسالة والإفهام کلها وحی بالمعنی المصدری...» اما در چند صفحه بعد وحی را به گونه دیگری تفسیر می‌کند و آشکارا سرعت و پنهان بودن را از ارکان آن می‌داند. وی چنین نگاشته است: «الوحی هو الکلام الخفی یدرک بسرعة لیس فی ذاته مرکباً من حروف مقطعة تتوقف علی تموجات متعاقبة» چه بسا مستند آن، واژگان رمز و اشاره در عبارت راغب و برداشت نادرست از آن باشد. (حسین زاده، ۱۳۸۸: ۴۷)

وحی در لغت بر حسب استعمال ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید و بر حسب کاربرد ثلاثی مجرد با حرف اضافه و بدون آن معانی گوناگونی بدین شرح دارد:

وحی در صورت کاربرد به نحو ثلاثی مجرد و بدون حرف اضافه، به معنای نگارش و کتابت است؛

وحی در صورت کاربرد به نحو ثلاثی مجرد و همراه با حرف اضافه به معنای القا یا اعلام پنهانی است و این انحای گوناگونی دارد؛

و نیز وحی در صورت کاربرد به نحو ثلاثی مزید از باب إفعال (همراه با حرف اضافه، یعنی «اوحی إلیه»، بلکه «اوحی له») به معنای القا یا اعلام پنهانی است و این نیز انحای گوناگونی دارد. بدین ترتیب، وحی در کاربرد، یا به تعبیر دقیق‌تر، در ساختار دوم و سوم به معنای القا یا اعلام پنهانی است و این القا انواع گوناگونی دارد. به تعبیر دیگر، این معنا شامل دیگر اموری همچون اشاره، ایما، رسالت، پیام‌آوری، کلام پنهانی و الهام بوده، آن‌ها را در بر می‌گیرد؛ زیرا هریک از آن‌ها خود گونه‌ای از اعلام است. اعلام ممکن است به اشاره یا ایما یا مکتوب یا زبانی و... باشد، اما همه آن موارد قدرجامعی دارند و در رکنی مشترک‌اند و آن اینکه القا یا اعلام پنهانی باشد.

شایان ذکر است برخی واژگان دیگر از قبیل «نزول»، «الهام»، «کتاب»، و «حدیث» نیز در برخی از کاربردهایشان به لحاظ مفهومی با واژه وحی قریب‌الافق هستند؛ ولی باتوجه‌به اینکه در این پژوهش، چگونگی باورمند شدن جامعه عصر نزول به یک برساخت اجتماعی جدید در قالب واژه وحی مدنظر است، آیات مشتمل بر واژه وحی و مشتقات آن در این تحقیق مدنظر قرار گرفته‌اند.

با در نظر گرفتن توضیحات ارائه شده در خصوص «فرهنگ»، «خط‌مشی‌گذاری»، «خط‌مشی‌گذاری فرهنگی»، و «وحی»، نکات ذیل در مقام جمع‌بندی این بخش ارائه می‌گردد: فرهنگ جزء لاینفک زندگی انسان‌ها، در ساحت‌های مختلف فردی، سازمانی، و اجتماعی محسوب می‌گردد. فارغ از تفاوت در تعاریف آن از سوی اندیشمندان مختلف، فرهنگ تأثیری بسزا در حیات اجتماع دارد.

حاکمیت اسلامی، ناگزیر از پرداختن به عرصه فرهنگ است و این مهم در قالب خط‌مشی‌گذاری فرهنگی اتفاق می‌افتد.

خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، به‌عنوان چرخه حل مسائل فرهنگی اساسی، در صورت بهره‌مندی از الگوهای موفق حل مسئله، می‌تواند تبدیل به چرخه‌ای مهم و اساسی در حکمرانی اسلامی گردد. واژه «وحی» به‌عنوان واژه‌ای که تا قبل از نزول قرآن، به معنای کتابت یا اشاره پنهانی استفاده می‌شد، از هنگام نزول قرآن، به‌عنوان نجوای پنهانی پروردگار متعال با رسول خویش کاربرد پیدا نمود؛ لذا لازم بود که مردمان عصر نزول به این معنای وحی، باور و اعتقاد پیدا نمایند.

بررسی و استخراج مسیری که در قرآن کریم طی شده است تا واژه وحی نزد مستمعین قرآن کریم پذیرفته و مقبول شده و به آن باور و اعتقاد عمیق پیدا نمایند، می‌تواند نمونه‌ای عملی از یک چرخه حل مسئله فرهنگی در قرآن کریم محسوب شود و این الگو می‌تواند کمک شایانی جهت رسیدن خط‌مشی‌گذاران عرصه فرهنگ به یک الگوی کارآمد خط‌مشی‌گذاری فرهنگی نماید.

پیشینه پژوهش

با مراجعه به منابع اطلاعاتی مختلف مشاهده گردید که تنها پژوهش قرآن محور در باب الگوی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی قرآن کریم، رساله دکتری به شرح ذیل است: یاسی، رحمان. الگوی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی قرآن کریم در موضوع انسجام اجتماعی، رساله دکتری، دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، ۱۳۹۵. منابع دیگری که با توجه به برخی اشتراکات می‌توانند به‌عنوان پیشینه این تحقیق تلقی گردند، عبارت‌اند از:

بهبخت پور، عبدالکریم. اصول و مبانی تغییر و تحول فرهنگی با توجه به نزول تدریجی قرآن کریم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰.

نویسنده در این کتاب با الهام از نزول تدریجی آیات و سوره‌های قرآن کریم و با تأکید بر اهمیت تقدم و تأخر آنها، به نکات، ملاحظات، اصول، و گام‌هایی در بحث تحول فرهنگی دست یافته است.

از آنجا که نویسنده متخصص مباحث قرآنی است، نکات دقیق و قابل استفاده‌ای در مباحث نظری تفسیر به ترتیب نزول استخراج گردیده است که برای آن دسته از پژوهشگران که بخواهند مباحث روش‌شناسی بر اساس روش تنزیلی را دنبال نمایند، این کتاب یک آموزش کارگاهی خوب محسوب می‌گردد. این تحقیق نیز از آنجا که در حوزه خط‌مشی‌گذاری فرهنگی است و همچنین از آنجا که از روش تفسیر تنزیلی بهره خواهد برد با اثر مذکور دارای اشتراک است.

برخی از رساله‌های دکتری و کارشناسی ارشد که عمدتاً به لحاظ تلاش جهت دستیابی به الگوی سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری با این تحقیق قرابت دارند نیز ذیلاً ارائه می‌گردند هر چند به دلیل آنکه از قرآن کریم به عنوان منبع دستیابی به الگوی خود بهره نبرده‌اند، نمی‌توان آن‌ها را پیشینه محتوایی قابل توجهی برای این تحقیق محسوب نمود:

توضیحات	محقق / استاد راهنما / مقطع - سال	عنوان پایان‌نامه / رساله	ردیف
موضوع این رساله در خصوص چالش جدی در حوزه مساجد یعنی فقدان خط‌مشی‌گذاری واحد پیرامون این نهادهای دینی (تعیین حدود و ثغور مداخله حکومت در حوزه مسجد) است. محقق با طی کردن سه مرحله فرایند تحلیل مضمون، الگوی مطلوب خط‌مشی‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران را طراحی نموده است که در آن «دیدگاه نظری دخالت حکومت در حوزه مسجد»، «رویکردهای دخالت حکومت در حوزه مسجد» و «حکومت و سازمان‌های فرهنگی مرتبط با حوزه مسجد» به عنوان ابعاد اصلی الگوی	فرخی، میثم / باهنر، ناصر / دکتری - ۱۳۹۳	الگوی مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران	۱

ردیف	عنوان پایان‌نامه/رساله	محقق / استاد راهنما / مقطع - سال	توضیحات
			مذکور تبیین و تشریح شده‌اند. این رساله به دلیل تلاش جهت دستیابی به الگوی خط‌مشی‌گذاری، با تحقیق حاضر هم‌راستاست، هرچند به دلیل عدم بهره‌مندی از قرآن کریم، قرابت محتوایی لزوماً وجود نخواهد داشت، ولی قرابت روشی باتوجه به استفاده از روش تحلیل مضمون وجود دارد.
۲	طراحی سیستم خط‌مشی‌گذاری دولتی برای تحقق عدالت اجتماعی؛ بر مبنای مدل حکومت حق مدار علوی (در نهج البلاغه)	پور عزت، علی اصغر / الوانی، مهدی / دکتری - ۱۳۸۲	این پژوهش باهدف دستیابی به مختصات سیستم خط‌مشی‌گذاری مناسب برای تحقق عدالت اجتماعی، ابتدا با تأمل بر طبقه‌بندی جیمزپی. استرثا و مروری بر چالش آموزه‌های فلسفی و سیاسی در مفهوم‌پردازی عدالت، بر مفهوم عدالت حق‌مدار تأکید و برای دستیابی به یک تعریف دقیق و علمی از آن از روش تحلیل منطقی استفاده نموده است. باتوجه به استخراج برخی مختصات سیستم خط‌مشی‌گذاری از نهج البلاغه، آموزه‌های مرتبطی از این رساله قابل استفاده خواهد بود هرچند به دلیل تفاوت در متن مورد پژوهش، نمی‌توان به‌عنوان یک پیشینه جدی از این پژوهش نام برد.
۳	سیره فرهنگی و ارتباطی امیرالمومنین علی(ع) در دوران حکومت؛ در جستجوی مدل سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی	کاظمی، سید محمد / آشنا، حسام‌الدین / کارشناسی ارشد - ۱۳۸۹	این تحقیق با مبنا قراردادن مراحل مدل فرایندی خط‌مشی‌گذاری، سعی نموده است با تحلیل سیاستی از نقش دولت علوی در امر فرهنگ، مدل خط‌مشی‌گذاری آن را ترسیم نماید. باتوجه به تلاش این تحقیق جهت استخراج الگوی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، می‌توان قرابت نسبی میان این تحقیق با تحقیق حاضر مشاهده نمود؛ البته به دلیل قرارگرفتن قرآن کریم به‌عنوان متن مورد پژوهش، وزن این قرابت نسبی بسیار کم می‌شود.

ردیف	عنوان پایان نامه/رساله	محقق / استاد راهنما / مقطع - سال	توضیحات
۴	طراحی الگوی جامع سیاستگذاری قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران	مشایخ، محمدرضا / امینی، محمدتقی / دکتری - ۱۳۹۲	در این تحقیق، پژوهشگر پس از بررسی ۳۰ مدل خط‌مشی‌گذاری، مدل فرایندی را به عنوان مدل مناسب جهت خط‌مشی‌گذاری قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌نماید. قرابت محتوایی قابل توجهی میان این رساله با تحقیق حاضر وجود ندارد به جز اینکه این رساله نیز به دنبال دستیابی به مدل خط‌مشی‌گذاری مطلوب است.
۵	الگویی برای فرایند خط‌مشی‌گذاری در نظام آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران	هادی پیکانی، مهربان / شریف‌زاده، فتاح / دکتری - ۱۳۸۸	این تحقیق ضمن بررسی مشکلات نظام آموزش عالی در کشور، یکی از مهم‌ترین مشکلات در این عرصه را عدم وجود الگوی مناسب خط‌مشی‌گذاری دانسته و براین اساس با تحقیق پیمایشی، الگویی را در این زمینه عرضه می‌نماید. عدم بهره‌گیری از قرآن و عدم تأکید بر عرصه فرهنگ، تفاوت‌های اساسی این تحقیق با تحقیق حاضر هستند.
۶	طراحی و تبیین مدلی برای نهادینه کردن خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر شواهد در نظام خط‌مشی‌گذاری کشور	ابراهیمی، عباس / دانایی‌فرد، حسن / دکتری - ۱۳۹۳	این تحقیق با تأکید بر کارآمدی مدل خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر شواهد، الگویی را جهت نهادینه‌شدن این مدل در بخش سلامت کشور پیشنهاد می‌نماید. هرچند به لحاظ مسئله اصلی پژوهش، یعنی استخراج مدل خط‌مشی‌گذاری، با مسئله این تحقیق قرابت دارد، ولی هم به لحاظ فرهنگی نبودن و هم عدم استفاده از قرآن کریم، پیشینه قابل توجهی برای این تحقیق محسوب نمی‌گردد.

مقالات حوزه خط‌مشی‌گذاری فرهنگی نیز مانند پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری ذکر شده، هیچ کدام با رویکرد قرآن شکل نگرفته‌اند، ولی از جمله مقالاتی که رویکرد ارزشی و دینی و انقلابی داشته‌اند، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

ردیف	عنوان مقاله	نویسنده (نویسندگان)	توضیحات
۱	دولت و سیاست‌گذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره)	خان‌محمدی، یوسف. ۱۳۸۶	این مقاله در صدد بررسی دیدگاه امام خمینی (ره) درباره دخالت دولت اسلامی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی است. از آنجاکه در منظومه فکری امام خمینی (ره) دولت علاوه بر تأمین کالا و خدمات عمومی، نقش هدایتگرانه نیز دارد، باید به خط‌مشی‌گذاری فرهنگی بپردازد. از این‌رو در این مقاله، دولت و خط‌مشی‌گذاری فرهنگی از منظر امام خمینی (ره) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نسبت مؤلفه‌هایی همچون: خودباوری، قانون‌گرایی، نقش مردم، حدود دخالت دولت، کرامت انسانی و مبانی اسلام با خط‌مشی‌گذاری فرهنگی از زاویه نگاه امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار گرفته است.
۲	بررسی ابتناء سیاست‌گذاری فرهنگی بر زیرساخت‌های فکری در مطالعه موردی مسئله اخلاقی توبه از دیدگاه ملاصدرا	مستقیمی، مهدیه السادات و مریم اسعدی. ۱۳۹۹	این مقاله ضمن ارائه تبیینی از این مدعی که خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در ترویج مسائل اخلاقی در امتداد اندیشه‌های بنیادین فلسفی امری ضروری است، در مطالعه موردی مسئله توبه نشان می‌دهد که چگونه مباحث انتزاعی فلسفه صدرایی از طریق حکمت مدنی می‌تواند کاربردی شده و به پیشنهادهایی در زمینه خط‌مشی‌گذاری در فرهنگ توبه بر اساس دیدگاه‌های علم النفسی و معرفت‌شناسی صدرایی با روش توصیفی - تحلیلی - استنباطی دست یابد.
۳	سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر نقش قاعده نفی سبیل (با تأکید بر آراء امام خمینی)	همایون، محمدهادی، مجتبی جعفرزاده، ابراهیم کیمیایی دوین. ۱۴۰۰	پژوهش حاضر با بررسی دقیق مفاهیم مرتبط با نفی سبیل کفار بر مؤمنین و همچنین مفاهیم علمی و دینی خط‌مشی‌گذاری باهدف ارائه الگویی از خط‌مشی‌گذاری فرهنگی متناسب با بستر انقلاب اسلامی باتکیه بر آراء امام خمینی (ره) انجام گرفت. این پژوهش بر مبنای روش‌شناسی توصیفی - تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای به مسئله پرداخته است.

ردیف	عنوان مقاله	نویسنده (نویسندگان)	توضیحات
۴	سیاست‌گذاری فرهنگی مطلوب مسجد از دیدگاه مقام معظم رهبری در جمهوری اسلامی ایران	فرخی، میثم. ۱۳۹۳	مقاله پیش رو در پاسخ به این سؤال که خط‌مشی‌گذاری فرهنگی مطلوب مسجد از دیدگاه مقام معظم رهبری چیست، نگاشته شده است. در این راستا، تلاش شده با شیوه طبقه‌بندی، دیدگاه‌های ایشان در حیطه مسجد با سه رویکرد توصیفی، تطبیقی و تجویزی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. یافته‌های پژوهش، حاکی از این است که مبتنی بر رویکرد توصیفی، مقام معظم رهبری ضمن انتقاد از وضعیت مساجد در کشور، خواستار بازگشت این سنگرهای الهی به مساجد صدر اسلام هستند. «محوریت مسجد در سیره نبوی»، «چندمنظوره بودن مسجد در عصر پیامبر (ص)» دیگر محورهای موضوعی در این رویکرد است.
۵	آسیب‌شناسی سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با نگاهی بر جایگاه هویت ملی در سیاست‌گذاری فرهنگی	عالم، ریحانه و مرجان بدیعی. ۱۳۹۹	این پژوهش که با روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته، واکاوی دلایل عدم موفقیت حیطه خط‌مشی‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی را مدنظر قرار داده و به دنبال رصد و آسیب‌شناسی سیاست فرهنگی کشور است. علاوه بر این به سبب رتبه ویژه مقوله هویت ملی بین موضوعات مختلف سیاست فرهنگی جامعه و اعتقاد متخصصان بر اهمیت آن در مانایی حکومت، این پژوهش شناسایی جایگاه هویت ملی در سیاست فرهنگی را نیز در دستور کار خود قرار داده است.
۶	سیاست‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران: پیشینه، الگوها و آسیب‌ها (با تأکید بر مفهوم مرجعیت)	رمضانی، مهدی، اصغر پرتوی، حسن عیوض زاده، فرشید جعفری. ۱۳۹۸	در این مقاله به بررسی آسیب‌شناسانه نظام خط‌مشی‌گذاری فرهنگی کشور با تأکید بر مفهوم مرجعیت پرداخته شده است. نگاهی نقادانه بر پیشینه و الگوهای خط‌مشی‌گذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از چشم‌انداز مرجعیت، با بهره‌گیری از منابع مکتوب و مبتنی بر روش توصیفی و تحلیلی، ضمن شناسایی آسیب‌های ناشی از وضعیت

ردیف	عنوان مقاله	نویسنده (نویسندگان)	توضیحات
			موجود، ما را به توصیه‌های سیاستی حاصل از این پژوهش رهنمون می‌سازد.

در موضوع وحی نیز پژوهش‌های مختلفی در قالب‌های گوناگون صورت پذیرفته است؛ ولی هیچ یک از آن‌ها صبغه خط‌مشی‌گذاری و یا حتی صبغه اجتماعی ندارند و با توجه به اینکه پرداختن به خود مفهوم وحی و ابعاد و مولفه‌های آن در حیطه این پژوهش نمی‌باشد، ضرورتی به طرح آن‌ها نیست.

روش پژوهش

روش تحقیق این مقاله کتابخانه‌ای بوده و جهت گردآوری اطلاعات، مبتنی بر روش تفسیر تنزیلی، از روش مطالعه اسناد و فیش‌برداری استفاده گردیده است؛ سپس این اطلاعات مبتنی بر ادبیات موضوع تحقیق و با استفاده از روش تحلیل مضمون و کدگذاری و دسته‌بندی مضامین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

توضیح آنکه تفسیر قرآن به ترتیب نزول، یکی دیگر از سبک‌های تفسیری است که مفسر در این سبک، اساس فهم خود را بر همراهی با پدیده وحی تدریجی قرآن قرار می‌دهد. او می‌کوشد تا روابط درونی بخش‌های یک آیه و سیاق آیات را در یک سوره با توجه به زمان و شرایط محیطی و اجتماعی نزول هر سوره یا مجموعه آیات نازل شده بفهمد و آنگاه به کشف روابط و نظام معرفتی و هدایتی سوره‌ها در زنجیره ۲۳ ساله نزول تدریجی قرآن بپردازد. (بهجت‌پور، ۱۳۹۱: ۴۵)

تفاوت اساسی و ویژگی مهم این سبک تفسیری نسبت به دیگر سبک‌ها، قدرت آن در کشف و تبیین روش‌شناسی قرآن کریم در امورات مختلف، از جمله پیشبرد سیاست‌ها و اهداف فرهنگی

خویش در جامعه است؛ لذا است که این سبک تفسیری را به‌عنوان سبک متناسب با این تحقیق برگزیدیم. شایان‌ذکر است این سبک تفسیری با دیگر سبک‌ها تعارضی ندارد؛ به‌طور مثال هم‌زمان با بهره‌گیری از این سبک تفسیری، محقق یا مفسر می‌تواند از سبک تفسیر موضوعی نیز بهره‌مند گردد.

روش تحلیل مضمون نیز از جمله روش تحقیق‌های کیفی است که به دلیل قابلیت‌های مناسب مخصوصاً در سازماندهی مضامین، روزبه‌روز گسترش بیشتری یافته است. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع تحلیل را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون و کلارک، ۲۰۰۶: ۸۶، به نقل از عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۳). البته برخی نیز معتقدند که تحلیل مضمون، صرفاً روش کیفی خاصی نیست بلکه فرایندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به کار رود (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

سه دسته مضامین در روش تحلیل مضمون عبارت‌اند از: مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده (محوری)، و مضامین فراگیر. مضامین پایه، به آن دسته از مضامین اطلاق می‌گردد که مبین نکته مهمی در متن بوده و از ترکیب آنها، مضامین سازمان‌دهنده تشکیل می‌گردد. مضامین سازمان‌دهنده (محوری) به آن دسته از مضامین اطلاق می‌گردد که واسط میان مضامین پایه و فراگیر هستند. از ترکیب مضامین سازمان‌دهنده، مضامین فراگیر تشکیل می‌شوند. مضامین فراگیر نیز به آن دسته از مضامین اطلاق می‌گردد که متضمن مفهومی کلان در ارتباط با موضوع اصلی تحقیق است. این مضامین در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرند. (همان، ۱۶۰)

مضامین سه‌گانه ذکر شده معمولاً منجر به تشکیل قالب مضامین یا شبکه مضامین می‌گردند (همان، ۱۶۵)

باتوجه به توضیحات فوق، استفاده هم‌زمان از روش تفسیر تنزیلی و روش تحلیل مضمون در این تحقیق بدان معناست که در مقام گردآوری داده‌ها، آیات مشتمل بر واژه وحی و مشتقات آن گزینش شده‌اند؛ سپس این آیات بر اساس ترتیب نزول تنظیم گشته‌اند، پس از این تنظیم‌گری (که گامی بسیار مهم در این تحقیق محسوب گردیده و تقدم و تأخر گام‌های خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در باورمند نمودن جامعه را نشان می‌دهد)، با استفاده از روش تحلیل، آیات گزینش شده و تنظیم

شده، تحلیل مفهومی گردیده و مضامین پایه، سازمان‌دهنده (محوری)، و فراگیر این آیات استخراج شده و در نهایت، الگوی مطلوب خط‌مشی‌گذاری فرهنگی باورمند نمودن جامعه به مفاهیم والای ارزشی بر اساس تحلیل واژه وحی در قرآن کریم ارائه گردیده است؛ شایان ذکر است روش تفسیر تنزیلی علاوه بر تنظیم آیات بر اساس ترتیب نزول، در تعیین مضامین نیز مؤثر بوده است؛ بدین ترتیب که رویکرد و دریچه تحلیل مفهومی نیز رویکرد درک نظم و منطق تنزیلی مفاهیم مربوطه قرار گرفته است.

لازم به تأکید است که این الگو، برداشت نویسنده از قرآن کریم است و هرچند تلاش شده است با استفاده از روش‌های علمی، این برداشت از حالت شخصی خارج شده و جنبه علمی و نظام‌مند پیدا نماید، ولی با توجه به عمق و پیچیدگی بسیار زیاد قرآن کریم به‌عنوان کلام پروردگار، نمی‌توان ادعا نمود الگوی استخراج شده به‌صورت جامع و مانع، معادل منظور قرآن از الگوی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی مذکور است.

شایان ذکر است در حوزه اعتمادپذیری پژوهش‌های کیفی، در دهه ۱۹۸۰، گویا و لینکلن مفهوم «قابلیت اعتماد» را به‌عنوان جایگزینی برای مفهوم روایی و پایایی در پژوهش‌های کمی مطرح کردند تا با چنین ابزار کیفی ای دقت علمی در پژوهش کیفی مورد ارزیابی قرار گیرد. این مفهوم از چهار عنصر «قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال، قابلیت اتکا و قابلیت تأیید» تشکیل می‌شود. (دانایی فرد و مظفری، ۱۳۸۷) بدین منظور برای افزایش حساسیت پژوهشگران، از پژوهشگر دیگر استفاده شد و با بررسی و اصلاح و ارتقای چندباره شناسه‌های اولیه استخراج شده و توجه به سیاق آیات، تلاش شد که طبقه‌بندی و تحلیل نهایی منسجم‌تر گردد. هم‌چنین به‌منظور تأمین تفکر نظریه‌مندان، در گذر زمان اجرای پژوهش، تلاش شد با ظهور فکری‌هایی از درون داده‌ها که در داده‌های جدید باز تأیید شد؛ داده‌هایی که پیش‌از این گردآوری شده ممیزی پژوهشی شود. هم‌چنین به‌منظور اطمینان از صحت تحلیل‌ها، جدول‌های مضمون‌های نهایی، به سه نفر از صاحب‌نظرانی ارائه و اصلاحات مدنظر ایشان نیز اعمال شد.

آیات و سور مشتمل بر کلمه وحی و مشتقات آن

بر اساس بررسی انجام شده توسط نرم‌افزار قرآنی "ذکر"، واژه وحی و مشتقات آن ۷۰ بار در قرآن بکار رفته‌اند. اشکال بکار رفته عبارتند از: وَحًی / یُوحًی / أَوْحًی / أَوْحًی / أَوْحًی / أَوْحًی / أَوْحًی

إِيهِمْ/ وَحِيَّهٗ/ وَحِينَا/ نُوحِيهَا إِلَيْكَ/ لَمْ يُوحَ إِلَيْهِ/ يُوحُونَ إِلَيَّ/ وَحِيَّا/ أَوْحَيْتُ. لذا لیست سور و آیات مشتمل بر کله وحی و مشتقات آن استخراج شده و سپس بر اساس جدول ترتیب نزول سور که در کتاب «همگام با وحی: تفسیر تنزیلی قرآن کریم» توسط حجت الاسلام و المسلمین بهجت پور و از طریق تطبیق جداول مختلف ترتیب نزول در طول تاریخ استخراج شده است، آن‌ها را مرتب نموده‌ایم.

در جدول یک، این سوره و آیات به همراه ترجمه، یادداشت، نکات مستخرج از ترتیب نزول آیات و کدگذاری‌های انجام شده ارائه گردیده‌اند.

مضامین پایه

مضامین پایه مشتمل بر استخراج آیات در برگیرنده واژه وحی و مشتقات آن است که بر اساس ترتیب نزول تنظیم گردیده‌اند. نمونه‌ای از این مضامین ذیلاً ارائه گردیده است.
جدول ۱. نمونه مضامین پایه آیات مشتمل بر واژه وحی و مشتقات آن

ردیف	سوره	آیه	متن	ترجمه	مضمون پایه	نشانگر	یادداشت	نکات مستخرج از ترتیب نزول آیات
1	نجم	4	إِنَّهُ هُوَ إِلَهًا وَحْيٌ يُوحَىٰ	این سخن به جز وحی که وحی می‌شود نیست.	وحی شدن وحی (از جانب خدا بودن وحی)	pl	در ابتدا اشاره می‌شود که پیامبر وحی را از نزد خود نمی‌گوید	در گام اول بر این نکته تأکید می‌شود که وحی سخنی الهی است، در واقع به خاستگاه این مفهوم اشاره می‌شود.

جدول ۱. نمونه مضامین پایه آیات مشتمل بر واژه وحی و مشتقات آن

ردیف	سوره	آیه	متن	ترجمه	مضمون پایه	نشانگر	یادداشت	نکات مستخرج از ترتیب نزول آیات
2	نجم	10	فَأَوْحَىٰ ۙ إِلَىٰ ۙ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ۙ	آنگاه به بنده اش آنچه را باید وحی کند، وحی فرمود.	از جانب خدا بودن وحی / ناقل وحی بنده خداست / خداوند آنچه را لازم است به پیامبر وحی نموده است	p2/ p3/ p4		در گام دوم و پس از مشخص کردن مرجع وحی، به دو نکته اشاره می شود، اول اینکه مهم ترین ویژگی حامل وحی، بنده بودن اوست نسبت به خدا و دوم اینکه آنچه لازم بوده است از طریق وحی نازل گردیده است

مضامین محوری آیات

در این مرحله، مضامین محوری استخراج شده اند. جدول دو مضامین محوری آیات را نشان می دهد. پس از این جدول، مضامین محوری مستخرج از ترتیب نزول آیات مشتمل بر واژه وحی و مشتقات آن تجمیع و ارائه شده اند. (جدول سه)

جدول ۲. مضامین محوری آیات مشتمل بر واژه وحی و مشتقات آن

ردیف	مضمون محوری	نشانگر
۱	وحی کلامی از جانب خداست	p1/p2/ p11/ p40/ p51/ p52/ p56/ p59/ p78
۲	ناقل وحی بنده خداست	p3
۳	هر آنچه لازم بوده است از طریق وحی بیان گردیده است	p4
۴	ناقل وحی (پیامبر صلی الله علیه و آله) در محتوای آن هیچ نقشی ندارد	p5/ p8/ p28/ p41/ p58

جدول ۲. مضامین محوری آیات مشتمل بر واژه وحی و مشتقات آن

ردیف	مضمون محوری	نشانه‌گر
۵	وحی به حضرت موسی <small>علیه‌السلام</small> در مورد چگونگی مواجهه با فرعون و ساحران	p6
۶	وحی به حضرت موسی <small>علیه‌السلام</small> در مورد سیراب کردن قومش	p7
۷	کارکردهای وحی: بصیرت برای همگان، هدایت و رحمت برای مؤمنین	p9/ p47
۸	وحی به پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله</small> در مورد استماع قرآن توسط یکی از جنیان	p10
۹	وحی حق است	p12
۱۰	وحی تصدیق‌کننده کتاب‌های آسمانی پیشین است	p13
۱۱	لزوم دقت پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله</small> در فراگیری درست و کامل وحی	p15/ p19
۱۲	وحی در مورد عذاب تکذیب‌کنندگان آیات الهی	p17/ p42/ p66
۱۳	وحی به حضرت موسی <small>علیه‌السلام</small> جهت انتقال بنی‌اسرائیل	p18/ p20
۱۴	وحی به حضرت موسی <small>علیه‌السلام</small> در مورد شکافتن نیل	p21
۱۵	کارکردهای وحی: نزول حکمت	p23
۱۶	تلاش مشرکان جهت انحراف پیامبر (ص) از وحی	p24
۱۷	هرگاه خداوند اراده نماید می‌تواند آنچه را به پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله</small> وحی نموده از او بگیرد	p25
۱۸	وحی به فردی از خود آدمیان	p26
۱۹	کارکرد وحی: انذار و تبشیر	p27/ p82/ p70
۲۰	وحی در مورد چگونگی ساخت خانه، اقامه نماز و بشارت به مؤمنین	p29
۲۱	لزوم تبعیت کامل پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله</small> از وحی	p30/ p31/ p43/ p60/ p74/ p77
۲۲	وحی به حضرت نوح <small>علیه‌السلام</small> در مورد عدم ایمان آوردن آنان که تاکنون	p32

جدول ۲. مضامین محوری آیات مشتمل بر واژه وحی و مشتقات آن

ردیف	مضمون محوری	نشانه
	ایمان نیاورده‌اند	
۲۳	وحی به حضرت نوح علیه‌السلام در مورد چگونگی ساخت کشتی	p33/ p73
۲۴	کارکرد وحی: خبر از غیب	p34
۲۵	کارکرد وحی: نقل نیکوترین سرگذشت‌ها	p35/ p37
۲۶	وحی به حضرت یوسف علیه‌السلام در مورد آینده و مواجهه مجدد او با برادرانش	p36
۲۷	وحی به مردان صورت می‌گیرد	p38/ p63/ p68
۲۸	قبل از پیامبر صلی‌الله علیه و آله به مردان بسیاری دیگری نیز وحی نازل شده است	p39/ p62/ p67/ p78
۲۹	وحی ناظر به توحید	p83/ p49/ p61/ p69/ p72/ p80
۳۰	وحی به پیامبر صلی‌الله علیه و آله در مورد حیوانات حرام‌گوشت	p46
۳۱	وحی به پیامبران علیهم‌السلام در مورد خسارات شرک	p48
۳۲	وحی در مورد اقامه دین و عدم تفرقه در آن	p53
۳۳	برپایی دین، وحی مشترک به پیامبران مختلف	p54
۳۴	انواع طرق وحی: مستقیم یا از پس پرده یا از طریق فرشته	p55
۳۵	لزوم تمسک پیامبر صلی‌الله علیه و آله به وحی	p57
۳۶	وحی به پیامبر صلی‌الله علیه و آله در مورد تبعیت از آیین ابراهیم حنیف ع	p65
۳۷	وحی ناظر به انجام‌دادن کارهای نیک و برپاداشتن نماز و دادن زکات	p71
۳۸	وحی خدا به فرشتگان در مورد ثابت‌قدم کردن مؤمنین و ضربه‌زدن به کفار	p75
۳۹	وحی ناظر به بیان سرگذشت حضرت مریم سلام‌الله علیها	p76

نکات مستخرج از ترتیب نزول آیات نیز در ادامه ارائه می‌گردند:

جدول ۳. مضامین محوری مستخرج از ترتیب نزول آیات مشتمل بر واژه وحی و مشتقات آن

ردیف	گام‌های شناسایی شده
۱	گام اول: بر این نکته تأکید می‌شود که وحی سخنی الهی است، در واقع به خاستگاه این مفهوم اشاره می‌شود.
۲	گام دوم: پس از مشخص کردن مرجع وحی، به دو نکته اشاره می‌شود، اول اینکه مهم‌ترین ویژگی حامل وحی، بنده بودن اوست نسبت به خدا و دوم اینکه آنچه لازم بوده است از طریق وحی نازل گردیده است
۳	گام سوم: تبیین بیشتری نسبت به رابطه حامل وحی با محتوای آن صورت می‌گیرد. اینکه پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله</small> در محتوای وحی نقشی ندارد و تنها ناقل آن است
۴	گام چهارم: با اشاره به داستان حضرت موسی <small>علیه‌السلام</small> بر این نکته تأکید می‌شود که پیامبر اسلام <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله</small> تنها پیامبری نیست که به او وحی می‌شده است.
۵	گام پنجم: ذکر مصادیق وحی با داستان حضرت موسی <small>علیه‌السلام</small> و معجزات ایشان شروع می‌شود. شاید علت این امر، عینی و همه‌فهم بودن و حتی جذاب بودن این دسته از معجزات است
۶	گام ششم: پس از تأکید مجدد بر نقش نداشتن پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله</small> در محتوای وحی، برخی از کارکردهای وحی بیان می‌شوند. اولین کارکرد مورد اشاره خداوند، بصیرت بخش بودن وحی برای همگان است، البته بلافاصله پس از این اشاره، نکته‌ای دیگری به‌عنوان تکمله ذکر می‌گردد و آن اینکه جنبه هدایت و رحمت بودن وحی در مورد مؤمنین مصادق پیدا می‌نماید.
۷	گام هفتم: کارکرد جدید وحی رونمایی می‌شود! خبر از غیب و ناشناخته‌ها
۸	گام هشتم: اشاره به دو ویژگی وحی؛ حق بودن و مصدق کتب پیشین. شاید بیان ویژگی دوم در واقع پاسخ به سؤالی مقدر باشد که در ذهن بسیاری از افراد شکل گرفته بوده است؛ اینکه رابطه مطالبی که به پیامبر اسلام <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله</small> وحی می‌شود با آنچه به پیامبران دیگر وحی می‌شده است چیست؟
۹	گام نهم: نزول وحی امری خطیر، مهم و حساس است و پیامبران بایستی در دریافت کامل و صحیح آن دقت کافی به خرج دهند
۱۰	گام دهم: سرانجام پس از نه گام، خداوند به عذاب کردن مکذبین وحی اشاره می‌نماید.

جدول ۳. مضامین محوری مستخرج از ترتیب نزول آیات مشتمل بر واژه وحی و مشتقات آن

ردیف	گام‌های شناسایی شده
۱۱	گام یازدهم: پس از اشاره به اینکه وحی مشتمل بر ارائه حکمت نیز می‌تواند باشد، به تعارف نداشتن پروردگار حتی با پیغمبر خویش اشاره می‌شود
۱۲	گام دوازدهم: هشدار نسبت به مکر و حيله دشمنان جهت منحرف نمودن پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله</small> نسبت به وحی
۱۳	گام سیزدهم: تشریح بیشتر شمول وحی: نقش تندی‌ری و تبشیری
۱۴	گام چهاردهم: تشریح بیشتر شمول وحی: چگونگی ساخت خانه، اقامه نماز و بشارت به مؤمنین
۱۵	گام پانزدهم: تقویت روحی ناقل وحی
۱۶	گام شانزدهم: تشریح بیشتر شمول وحی: خیر از آینده
۱۷	گام هفدهم: تشریح بیشتر شمول وحی: چگونگی ساخت کشتی
۱۸	گام هجدهم: تشریح بیشتر شمول وحی: نقل نیکوترین سرگذشت‌ها
۱۹	گام نوزدهم: وحی به مردان صورت می‌گیرد+ تأکید بر گام چهارم
۲۰	گام بیستم: تشریح بیشتر شمول وحی؛ حیوانات حرام گوشت
۲۱	گام بیست و یکم؛ کارکرد وحی؛ هدایت پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله</small> . اینکه در اینجا به هدایت پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله</small> خاصاً اشاره شده است حاکی از اهمیت نقش پیغام بر است که البته قبلاً نیز اماراتی در مورد آن دیده شده است
۲۲	گام بیست و دوم: وحی در مورد خسارات شرک
۲۳	گام بیست و سوم: وحی مشتمل بر یکتایی خدا
۲۴	گام بیست و چهارم: تشریح بیشتر شمول وحی؛ کار هر آسمان
۲۵	گام بیست و پنجم: تأکید بر وحی شدن قران عربی از جانب خدا به پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله</small>
۲۶	گام بیست و ششم: وظیفه مشترک پیامبران (ع)؛ اقامه دین و عدم تفرقه در آن
۲۷	گام بیست و هفتم: انواع طرق رسیدن وحی به پیامبران <small>علیهم‌السلام</small>
۲۸	گام بیست و هشتم: وحی عامل نجات و راهنمایی پیامبر <small>صلی‌الله‌علیه‌وآله</small>
۲۹	گام بیست و نهم: لزوم تبعیت از آیین ابراهیم حنیف <small>علیه‌السلام</small>
۳۰	گام سی‌ام: تشریح بیشتر شمول وحی؛ انجام کارهای نیک، برپاداشتن نماز، دادن زکات

جدول ۳. مضامین محوری مستخرج از ترتیب نزول آیات مشتمل بر واژه وحی و مشتقات آن

ردیف	گام‌های شناسایی شده
۳۱	گام سی و یکم: دستور به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌جهت خواندن وحی و برپاداشتن نماز
۳۲	گام سی و دوم: وحی خدا به فرشتگان در مورد ثابت‌قدم کردن مؤمنین و ضربه‌زدن به کفار
۳۳	گام سی و سوم: بیان سرگذشت حضرت مریم <small>سلام‌الله‌علیها</small>

ذکر این نکته ضروری است که برخی از این گام‌ها چندین بار مورد تأکید قرار گرفته‌اند که نشان می‌دهد وزن این گام‌ها یا اهمیت تکرار مکرر آن‌ها با هم متفاوت است؛ از جمله اینکه بیشترین تکرار مربوط به گام سوم است، یعنی پروردگار متعال مداوماً تأکید می‌نماید که آنچه توسط پیامبر صلی ... علیه و آله بیان می‌شود گفته‌های خود او نیست؛ بلکه سخن و امر خداوند است.

مضامین فراگیر

در این مرحله پس از انجام تعیین مضامین پایه و سازمان‌دهنده، به مضامین فراگیر شکل گرفته و تلاش نموده‌ایم با تحلیل و محوربندی مجدد داده‌های مرحله قبل از یک سو و همچنین بهره‌گیری از یادداشت‌برداری‌های حین تحقیق از سوی دیگر، به مدلی مناسب که بیانگر مسیر مطلوب جهت جانداختن مفاهیم ارزشی در جامعه است دست یابیم؛ بدین منظور هر دو جدول ارائه شده در مرحله تعیین مضامین سازمان‌دهنده (محوری) تحلیل گردیده و نهایتاً مفاهیم کلی ذیل به‌عنوان مفاهیم اصلی و کلیدی استخراج گردیدند. شایان ذکر است به منظور دسته‌بندی کامل تر و جامع‌تر، بُعد پردازی مفاهیم فراگیر نیز صورت پذیرفته است که بر اساس نتایج، سه بُعد ذیل به‌دست آمده است:

- بُعد اعتقادی و فرهنگی - اجتماعی: گزاره‌های مرتبط با این بُعد ناظر به عرصه‌های اعتقادی و بینشی و نگرشی و همچنین هنجارها و رفتارها هستند.
- بُعد مدیریتی و اجرایی: این بُعد مربوط به فرایند پیام‌رسانی و علی‌الخصوص مجریان امر خطیر پیام‌رسانی نسبت به مفاهیم والای ارزشی است.

■ بُعد سیاسی: گزاره‌های مرتبط با این بُعد در خصوص بازی‌های قدرت و علی‌الخصوص شناسایی و مقابله با مخالفین و دشمنان هستند.

جدول ۴. مضامین فراگیر

ردیف	مضمون فراگیر	بُعد	شرح مفهوم
۱	تبیین چیستی و از کجایی مفهوم برای مخاطبین	بعد اعتقادی و فرهنگی - اجتماعی	در این بخش بایستی نسبت به محتوای مفهوم و این موضوع که این مفهوم از کجا و توسط چه کسی خلق شده است اشاره گردد. قاعده‌تاً هرچه که خالق مفهوم از وجاهت و پذیرش بیشتر (که خود تابع سایر ویژگی‌های آن خالق است) برخوردار باشد، امکان همراهی مخاطبین و استقرار صحیح و به‌موقع مفهوم بیشتر فراهم می‌آید.
۲	تبیین مستمر ویژگی‌های مفهوم	بعد اعتقادی و فرهنگی - اجتماعی	به‌منظور ارتقای فهم و درک مخاطبین نسبت به مفهوم مدنظر، بایستی به‌صورت مستمر ویژگی‌های مفهوم و همچنین ارتباط آن با مولفه‌های جمعیت‌شناختی از قبیل جنسیت در صورت نیاز، تبیین گردد. همچنین اگر مفهوم دارای انواع و نسخ‌های متفاوتی است، بایستی در زمان مناسب به این موارد نیز اشاره نمود.
۳	تبیین مستمر حق و صحیح بودن مفهوم	بعد اعتقادی و فرهنگی - اجتماعی	باتوجه‌به ویژگی غافل و فراموش‌کار بودن انسان‌ها از یک‌سو و دشمنی دشمنان انس و جن از سوی دیگر، لازم است که مرتباً نسبت به حق و صحیح بودن مفهوم ارزشی مدنظر تبیین و تکرار صورت پذیرد. بدیهی است نقش هنر و رسانه در این میان بسیار اساسی است.
۴	بیان سابقه داری مفهوم در سایر ادیان	بعد اعتقادی و فرهنگی - اجتماعی	بیان سابقه‌دار بودن یک مفهوم ارزشی زمینه پذیرش مخاطب را به‌صورت قابل‌توجهی افزایش می‌دهد.
۵	انتخاب پیام‌رسان شایسته و بیان ویژگی‌های او برای	بعد مدیریتی و اجرایی	بدون شک کسی که بار انتقال مفهوم را بر عهده دارد نقش مهمی در همراهی و پذیرش مخاطبین نسبت به آن بازی می‌کند. این نقش آن‌قدر مهم است که حتی قبل از مباحثی مانند گستره و کارکرد مفهوم، به آن اشاره می‌گردد. نکته مهمی که از رویکرد قرآن در این باب می‌توان استخراج نمود، اهمیت شناخت و توجه به مخاطب و اصطلاحاً مخاطب‌شناسی است. انسان‌ها به‌صورت ناخودآگاه و جدای از اینکه

جدول ۴. مضامین فراگیر

ردیف	مضمون فراگیر	بُعد	شرح مفهوم
	مخاطبین		خود مفهوم چیست به ناقل آن توجه می‌نماید. جمله معروف اُنظر إلی ما قال و لا تنظر إلی من قال نیز در واقع اشاره به این ویژگی داشته و جهت غلبه بر آن بین شده است؛ بنابراین همان گام‌های اول بایستی اینکه ناقل کیست برای مخاطبین معلوم شود.
۶	تبیین رابطه پیام‌رسان با مفهوم برای خود او و برای مخاطبین	بعد اعتقادی و فرهنگی - اجتماعی	از جمله مواردی که در پیام‌رسانی برای مخاطبین مهم است، رابطه پیام‌رسان و مفهوم مدنظر است؛ اینکه آیا مفهوم توسط خود پیام‌رسان خلق شده یا خیر؟ و ...
۷	تقویت و حمایت مستمر پیام‌رسان نسبت به	مدیریتی و اجرایی	از جمله گام‌های مهم در باورمند نمودن جامعه نسبت به یک مفهوم، حمایت و تقویت مستمر پیام‌رسان مفهوم است. باتوجه به زمان‌بر و طولانی بودن این فرایند، بایستی به صورت مستمر مجریان را حمایت و تقویت نمود. این حمایت برای مخاطبین نیز دارای پیام ضمنی است. در مورد مفهوم وحی، تأکید قرآن بر ناقل صرف بودن پیامبر (ص) است که جهت‌پذیرش جامعه امری ضروری است. ولی در مورد سایر مفاهیم ممکن است چنین نباشد؛ مثلاً در یک محفل علمی، رابطه مفهومی که توسط یک استاد مجرب خلق شده و خود او نیز ناقل آن است، رابطه مستقیم است و این رابطه می‌تواند در پذیرش و استقرار مفهوم مفید هم باشد.
۸	بیان مستمر گستره و کارکردهای مفهوم ارزشی مدنظر با	بعد اعتقادی و فرهنگی - اجتماعی	در این گام بایستی تبیین مناسبی از مفهوم و گستردگی آن صورت پذیرد. بدون شک مفهومی مانند عدالت نیاز به تبیین بسیار بیشتری نسبت به مفهومی مانند دوستی دارد. همچنین بیان کارکردهای یک مفهوم می‌تواند گامی بی‌بدیل و اساسی در پذیرش و استقرار یک مفهوم در جامعه بازی کند. علی‌ای حال توجه به کارکردهای یک مفهوم برای جامعه انسانی بسیار مهم است و

جدول ۴. مضامین فراگیر

ردیف	مضمون فراگیر	بُعد	شرح مفهوم
	بهره‌گیری از تکنیک‌های جذاب		از طریق همین کارکردهاست که یک مفهوم با زندگی روزمره مردم عجین شده و برای ایشان قابل‌درک و فهم می‌شود. تعداد بالای کدهای باز و محوری مرتبط با این گام نیز حاکی از اهمیت بالای آن است.
۹	کنکاش و پاسخ به شبهات احتمالی پیرامون مفهوم	بعد اعتقادی و فرهنگی - اجتماعی	یکی از موانع جدی در راه استقرار یک مفهوم ارزشی، شبهات احتمالی پیرامون است که بایستی به‌صورت مستمر رصد شده و در اولین فرصت و با زبانی مناسب به پاسخگویی به آن‌ها پرداخت.
۱۰	نظارت جدی و مستمر بر پیام‌رسان	بعد مدیریتی و اجرایی	در کنار اهمیت شناسایی و به‌کارگیری مجریان شایسته و حمایت مناسب از ایشان، به‌هیچ‌عنوان نباید از نظارت مستمر و جدی غفلت نمود.
۱۱	برنامه‌ریزی جهت مقابله با مخالفین مفهوم و اعلان عمومی	بعد سیاسی	از جمله موانع اساسی پیش رو نسبت به استقرار مفاهیم ارزشی، برنامه‌ریزی‌های مستمر دشمنان جهت مقابله با آن مفهوم است که بایستی به‌صورت دائمی مورد شناسایی قرار گرفته و برنامه‌ریزی مناسب برای مقابله با ایشان صورت پذیرد.
۱۲	توجه مستمر به مکر مخالفین مفهوم	بعد سیاسی	غفلت از دشمنان و ساده‌لوحی در شناسایی و برخورد با ایشان سم مهلکی است که می‌تواند مانع از استقرار مفاهیم والای ارزشی در جامعه شود؛ لذا به‌هیچ‌عنوان نباید از ایشان غافل گردید.

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل مضامین، سه بُعد اصلی نسبت به باورمند نمودن جامعه نسبت به مفهوم وحی از منظر قرآن کریم مورد شناسایی قرار گرفته‌اند و ذیل هر یک از این ابعاد، محورهای اساسی ذکر می‌شوند:

۱-۲. بعد اعتقادی و فرهنگی - اجتماعی: بر اساس نتایج تحقیق، محورهای اساسی مرتبط با این بعد عبارت‌اند از:

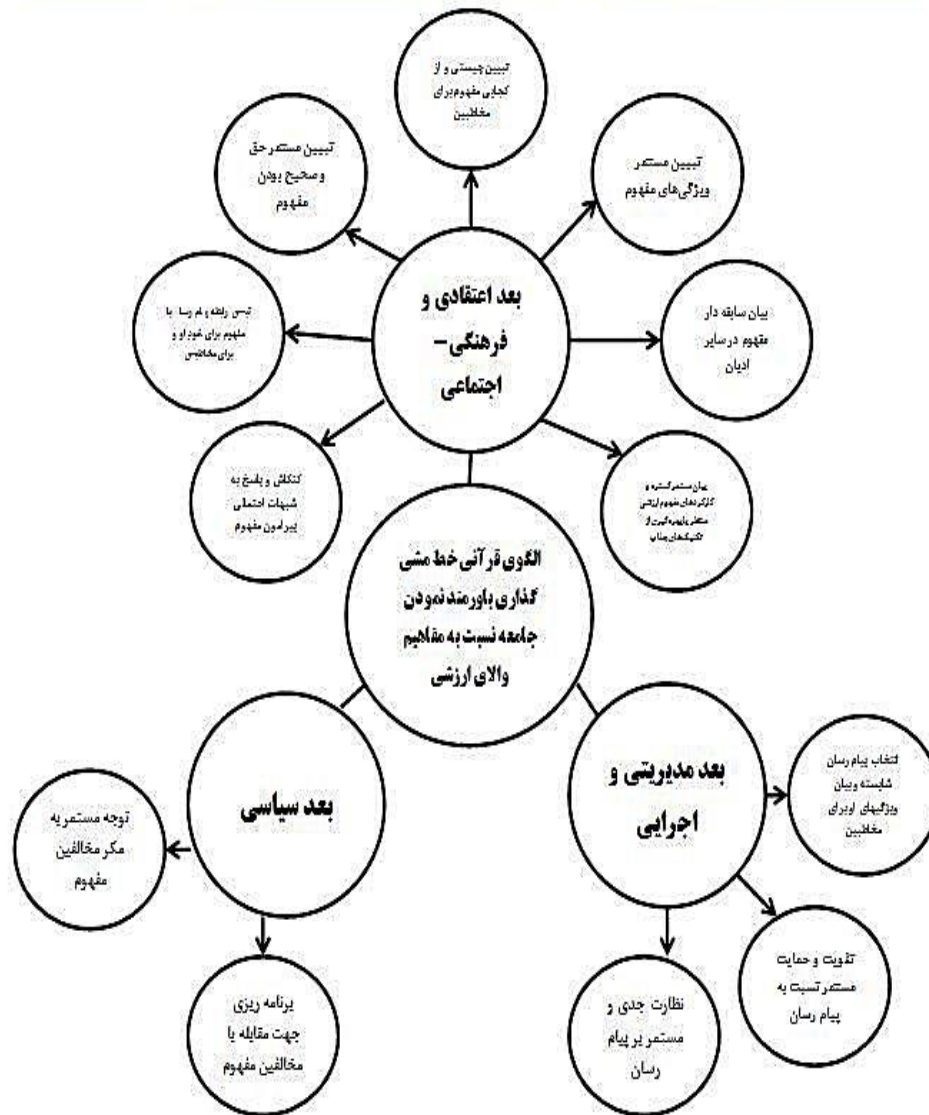
- ۱-۲-۱. تبیین چستی و از کجایی مفهوم برای مخاطبین
- ۲-۱-۲. تبیین مستمر ویژگی‌های مفهوم
- ۳-۱-۲. تبیین مستمر حق و صحیح بودن مفهوم
- ۴-۱-۲. بیان سابقه داری مفهوم در سایر ادیان
- ۵-۱-۲. تبیین رابطه پیام‌رسان با مفهوم برای خود او و برای مخاطبین
- ۶-۱-۲. بیان مستمر گستره و کارکردهای مفهوم ارزشی مدنظر با بهره‌گیری از

تکنیک‌های جذاب

- ۷-۱-۲. کنکاش و پاسخ به شبهات احتمالی پیرامون مفهوم
- ۲-۲. بعد مدیریتی و اجرایی: بر اساس نتایج تحقیق، محورهای اساسی مرتبط با این بعد عبارت‌اند از:

- ۱-۲-۲. انتخاب پیام‌رسان شایسته و بیان ویژگی‌های او برای مخاطبین
 - ۲-۲-۲. تقویت و حمایت مستمر نسبت به پیام‌رسان
 - ۳-۲-۲. نظارت جدی و مستمر بر پیام‌رسان
 - ۳-۲. بعد سیاسی: بر اساس نتایج تحقیق، محورهای اساسی مرتبط با این بعد عبارت‌اند از:
 - ۱-۳-۲. برنامه‌ریزی جهت مقابله با مخالفین مفهوم و اعلان عمومی
 - ۲-۳-۲. توجه مستمر به مکر مخالفین مفهوم
- با در نظر گرفتن ابعاد و مولفه‌های ذکر شده، می‌توان ننگاره ذیل را به‌عنوان الگوی قرآنی باورمند نمودن به مفاهیم والای ارزشی در نظر گرفت:

نگاره یک: الگوی خط مشی گذاری باورمند نمودن جامعه نسبت به مفاهیم والای ارزشی



شایان ذکر است محقق تلاش نموده است با بهره‌گیری از روش تفسیر تنزیلی و روش تحلیل مضمون، الگویی قابل قبول و مناسب و برآمده از مفاهیم و مبانی قرآنی را استخراج نماید، ولی به هر حال این کار یک کار بشری است و خطاها و برداشت‌های اشتباه احتمالی نسبت به کلیات یا جزئیات الگوی استخراج شده، متوجه محقق بوده و ساحت قدسی قرآن کریم، بری از هر گونه خطا و اشتباه است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

طراحی الگوی خط‌مشی‌گذاری فرهنگی باورمند نمودن جامعه نسبت به مفاهیم والای ارزشی، مطلوب هر نظام ارزشی‌ای است. مأخذ‌شناسایی این الگو در جوامع مختلف می‌تواند متفاوت باشد. در جامعه اسلامی ایران، ناظر به اعتقاد، ارزش و تعریفی که از قرآن وجود دارد، بهره‌گیری از این کتاب آسمانی ظرفیتی منحصربه‌فرد به شمار می‌رود. بدون شک جهت پیشبرد اهداف دین مبین اسلام توسط پیامبر صلی ... علیه و آله، باورمند نمودن جامعه نسبت به آیات نازل شده، اقتضایی بسیار مهم به شمار می‌رفته است؛ از آنجاکه امر نزول آیات وحی نامیده می‌شود، بررسی آیات و سور مشتمل بر واژه وحی و مشتقات آن، می‌تواند رهیافتی مناسب جهت دست‌یازیدن به الگوی مطلوب خط‌مشی‌گذاری فرهنگی در باورمند نمودن جامعه نسبت به مفاهیم والای ارزشی به شمار رود.

با بهره‌گیری از روش‌شناسی تفسیر تنزیلی از یک سو و روش‌شناسی تحلیل مضمون از سوی دیگر، آیات مشتمل بر واژه وحی و مشتقات آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و پس از طی مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی، الگوی باورمند نمودن جامعه نسبت به یک مفهوم ارزشی در قالب ابعاد و مولفه‌های ذیل شناسایی گردیده است:

۱. بعد اعتقادی و فرهنگی - اجتماعی: مشتمل بر:

أ. تبیین چیستی و از کجایی مفهوم برای مخاطبین

ب. تبیین مستمر ویژگی‌های مفهوم

ج. تبیین مستمر حق و صحیح بودن مفهوم

د. بیان سابقه داری مفهوم در سایر ادیان

- ه. تبیین رابطه پیام‌رسان با مفهوم برای خود او و برای مخاطبین
- و. بیان مستمر گستره و کارکردهای مفهوم ارزشی مدنظر با بهره‌گیری از تکنیک‌های جذاب
- ز. کنکاش و پاسخ به شبهات احتمالی پیرامون مفهوم
۲. بعد مدیریتی و اجرایی: محورهای اساسی مرتبط با این بعد عبارت‌اند از:
- ح. انتخاب پیام‌رسان شایسته و بیان ویژگی‌های او برای مخاطبین
- ط. تقویت و حمایت مستمر نسبت به پیام‌رسان
- ی. نظارت جدی و مستمر بر پیام‌رسان
۳. بعد سیاسی و امنیتی: محورهای اساسی مرتبط با این بعد عبارت‌اند از:
- ک. برنامه‌ریزی جهت مقابله با مخالفین مفهوم و اعلان عمومی
- ل. توجه مستمر به مکر مخالفین مفهوم
- با در نظر گرفتن ابعاد و محورهای استخراج شده، موارد ذیل را می‌توان به‌عنوان سیاست‌های مناسب جهت نهادینه‌سازی مفاهیم والای ارزشی در میان آحاد جامعه از منظر قرآن کریم مدنظر قرارداد:
۴. سیاست‌های پیشنهادی بعد اعتقادی و فرهنگی - اجتماعی:
- تبیین صحیح، شفاف و جذاب مفاهیم والای ارزشی
 - تصویرسازی مستمر و شایسته مفاهیم ارزشی مدنظر و مفاهیم و ویژگی‌های پیرامونی
 - تلاش جهت ایجاد قرابت حداکثری میان ادراک مخاطب و غایت مفاهیم ارزشی
 - تعمیق مستمر اعتقادی مبلغین مفاهیم دینی
 - تبلیغ رسانه‌ای جذاب و اقناع‌کننده در خصوص کارکردها و نتایج استقرار مفاهیم والای ارزشی در جامعه
 - رصد مستمر جنگ تبلیغاتی و شبهات مسموم نسبت به مفاهیم والای ارزشی و تهیه و انتشار گسترده پاسخ‌های مربوطه
۵. سیاست‌های پیشنهادی بعد مدیریتی و اجرایی:
- استقرار سازوکار مؤثر جهت گزینش مبلغین شایسته و آشنا نمودن جامعه با این مسیر گزینشی بهینه

- فضاسازی اثربخش در زمینه حمایت و تثبیت فرهنگی و اجتماعی مبلغین و کنشگران حوزه فرهنگ دینی
- نظارت و ارزیابی شایسته مبلغین مفاهیم والای ارزشی و انجام سریع اصلاحات لازم
- ۶. سیاست‌های پیشنهادی بعد سیاسی - امنیتی:
- رصد و شناسایی گروه‌های مخالف مفاهیم ارزشی و تعریف سازوکارهای قانونی نسبت به چگونگی برخورد با مخالفین
- ایجاد سازوکارهای مدبرانه و حکیمانه جهت رصد اقدامات و حیل‌های گروه‌های مخالف و مقابله هوشمندانه و مؤثر

الگوهای متعددی در دانش خط‌مشی‌گذاری وجود داشته و هر یک از این الگوها، از زاویه‌ای خاص به موضوع خط‌مشی‌گذاری پرداخته‌اند؛ با در نظر گرفتن الگوهای مختلف، می‌توان به این نتیجه رسید که سه محور «محتوای خط‌مشی‌گذاری»، «فرایند خط‌مشی‌گذاری»، و «بازیگران خط‌مشی‌گذاری»، محورهای مختلف مورد توجه هر یک از الگوهای خط‌مشی‌گذاری هستند که برخی به یک و برخی نیز به دو محور از محورهای مذکور پرداخته‌اند.

قابل توجه است که در الگوی خط‌مشی‌گذاری قرآنی استخراج شده، علاوه بر اینکه هر سه محور محتوا، فرایند، و بازیگران خط‌مشی‌گذاری مدنظر قرار گرفته‌اند، در محور بازیگران شاهد بسط مفهومی بوده و علاوه بر مجریان خط‌مشی، به مخاطبین و مخالفین خط‌مشی نیز توجه گردیده است.

از وجوه تمایز دیگر الگوی استخراج شده نسبت به الگوهای موجود خط‌مشی‌گذاری، نگاه بین‌نظامی (بین‌سیستمی) است، به گونه‌ای که با نگاهی ذواب‌عادی، هم به نظام اعتقادی و فرهنگی توجه شده است، هم به نظام مدیریتی و اجرایی، و هم به نظام سیاسی.

در پایان پیشنهاد می‌گردد پژوهشگران عزیز در محورهای ذیل به توسعه پژوهش‌های مشابه کمک نمایند:

❖ در حوزه محتوای خط‌مشی‌گذاری:

۱. بررسی الگوی قرآنی باورمند نمودن جامعه به اصول اساسی دین با تأکید بر مطالعه واژه توحید؛

۲. بررسی الگوی قرآنی باورمند نمودن جامعه به اصول اساسی دین با تأکید بر مطالعه واژه معاد؛

۳. بررسی الگوی قرآنی باورمند نمودن جامعه به اصول اساسی دین با تأکید بر مطالعه واژه نبوت؛

❖ **در حوزه نگاه روش‌شناسانه به خط‌مشی‌گذاری:**

۴. بررسی الگوی قرآنی مقابله با رذائل اخلاقی در جامعه با تأکید بر مطالعه روند حذف شرب خمر در عصر نبوی؛

۵. بررسی الگوی قرآنی مقابله با افکار انحرافی در جامعه با تأکید بر مطالعه روند مقابله قرآنی با کفر و شرک؛

❖ **در حوزه عناصر مهم در خط‌مشی‌گذاری:**

۶. اصول و راهکارهای مناسب ابلاغ سیاست فرهنگی به جامعه؛

۷. اصول و راهکارهای مناسب نظارت و ارزیابی مجریان سیاست‌های فرهنگی در جامعه؛

۸. تحلیل مخالفین خط‌مشی‌گذاری از منظر قرآن کریم و راهکارهای مدیریت ایشان؛

منابع

- ابن منظور، (۱۴۱۶ ق)، لسان العرب، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- اجلالی، پرویز، (۱۳۸۷)، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران، تهران: نشر آل.
- اشتریان، کیومرث، (۱۳۸۹)، متغیرهای استراتژیک در سیاست‌گذاری فرهنگی، تهران: نشر میزان.
- الوانی، سید مهدی و فتاح شریف‌زاده، (۱۳۸۶)، فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: مدیریت دولتی.
- بهجت‌پور، عبدالکریم، (۱۳۸۹)، تفسیر تنزیلی، مبانی، اصول، قواعد و فوائد، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- بهجت‌پور، عبدالکریم، (۱۳۸۸)، درآمدی بر تحول فرهنگی (با الهام از نزول تدریجی قرآن)، قم: بوستان کتاب.
- بهجت‌پور، عبدالکریم، (۱۳۹۰)، همگام با وحی (تفسیر تنزیلی)، ج ۱، قم: تمهید.
- پیروزمند، علیرضا، (۱۳۸۲)، تعیین الگو و طبقه‌بندی موضوعات در مهندسی فرهنگی کشور، دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی.
- جعفر، محمدتقی، (۱۳۷۰)، فرهنگ پیرو و فرهنگ پیشرو، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۱)، وحی و نبوت در قرآن، قم: اسراء.
- حسین‌زاده، محمد، (۱۳۸۸)، مفهوم‌شناسی وحی و الهام در لغت، قرآن و روایات، قرآن شناخت، سال دوم، شماره دوم، صفحه ۴۵ - ۷۲.
- حسین‌لی، رسول و مسعود کوثری، (۱۳۷۹)، اصول و مبانی سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر آن.
- حسین‌لی، رسول، (۱۳۷۹)، اصول و مبانی سیاست فرهنگی در آسیا و آفریقا. تهران: نشر آن.
- خان‌محمدی، یوسف، (۱۳۸۶)، دولت و سیاست‌گذاری فرهنگی از دیدگاه امام خمینی (ره)، دانشگاه اسلامی سال یازدهم تابستان ۱۳۸۶ شماره ۲ (پیاپی ۳۴).
- دانایی‌فرد، حسن و دیگران، (۱۳۸۶)، روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: صفار.
- دانایی‌فرد، حسن و مظفری، زینب، (۱۳۸۷)، ارتقای روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی، پژوهش‌های مدیریت، شماره ۲۳، صص ۱۶۲-۱۳۱.
- راغب اصفهانی، (بی‌تا)، مفردات الفاظ القرآن، دمشق: دارالنشر.
- رشید رضا، محمد، (بی‌تا)، الوحی المحمدی، بیروت: مؤسسه عزالدین.
- صفار، محمد، (۱۳۸۳)، حدود دخالت دولت در فرهنگ (با تأکید بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران پس از انقلاب اسلامی)، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- طباطبایی، سید محمدحسین، (بی‌تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

عالم، ریحانه و مرجان بدیعی (۱۳۹۹)، آسیب شناسی سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با نگاهی بر جایگاه هویت ملی در سیاستگذاری فرهنگی، دولت پژوهی جمهوری اسلامی ایران، سال ششم، زمستان ۱۳۹۹ شماره ۴.

علوی تبار، علیرضا، (۱۳۷۳)، ملاحظات اساسی در سیاست گذاری فرهنگی ایران، تهران: راهبرد. فرخی، میثم، (۱۳۹۳)، سیاستگذاری فرهنگی مطلوب مسجد از دیدگاه مقام معظم رهبری در جمهوری اسلامی ایران، مطالعات راهبردی بسیج، سال هفدهم، زمستان ۱۳۹۳، شماره ۶۵. فیاض، ابراهیم، (۱۳۸۵)، تأثیر چگونگی تعریف فرهنگ بر برنامه ریزی و سیاست گذاری فرهنگ، فصلنامه شورای فرهنگ عمومی.

مستقیم، مهدیه السادات و مریم اسعدی، (۱۳۹۹)، بررسی ابتناء سیاست گذاری فرهنگی بر زیرساخت های فکری در مطالعه موردی مسئله اخلاقی توبه از دیدگاه ملاصدرا، دین و سیاست فرهنگی، سال هفتم، بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره ۱۴.

مک گوئیگان، جیم، (۱۳۸۸)، بازاندیشی در سیاست فرهنگی. ترجمه نعمت اله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

میلر، توبی و یودیس، جورج، (۱۳۸۹)، سیاست فرهنگی، ترجمه نعمت اله فاضلی و مرتضی قلیچ، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

همایون، محمدهادی، مجتبی جعفرزاده، ابراهیم کیمیایی دوین، (۱۴۰۰)، سیاست گذاری فرهنگی مبتنی بر نقش قاعده نفی سبیل (با تأکید بر آراء امام خمینی)، دین و سیاست فرهنگی، سال هشتم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره ۱۶.

Blackburn, S. (2009, August 04). "culture" *The Oxford Dictionary of Philosophy*. Retrieved mordad 16, 1388, from Oxford Reference Online: <http://www.oxfordreference.com.ezproxy.gvsu.edu/views/ENTRY.html?subview=Main&entry=t98.e800>

Denhardt, Robert B & Catlaw, Thomas J (2000) , *Theories of public organization*, Stamford: Harcourt Braec College Publishers.

Dye , Thomas R. (2007), *Understanding Public Policy edition 12*, Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.

Neuman, Lawrence W. (1991), *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches*, MA: Allyn and Bacon.

Philip's. (2009, August 04), *Culture:World EncycloPCdia*. Retrieved مرداد 15, 1388, from Oxford Refrence Online: <http://www.oxfordreference.com.ezproxy.gvsu.edu/views/ENTRY.html?subview=Main&entry=t142.e2999>

Schein Edgar H. (1996), *Three Cultures of Management: The Key to Organizational Learning*, Sloan Management Review

Schein, E. H. (2004), *Organizational Culture and Leadership*. San Francisco: John Wiley & Sons, Inc.

Scott, W. Richard & Gerald F. Davis. (2007), **Organizations and Organizing Rational, Natural and Open system Perspectives**, Prentice Hall.

Surel, Yves (2000), **The Role of Cognitive and Normative Frames in Policy Making**; **Journal of European Public Policy**.

White, Louise G. (1994), **Values, Ethics, and Standards in Policy Analysis**, Nagel, Stuart, ed. *Encyclopedia of Policy Studies*. New York: Marcel Dekker.

